

■ ■ ■ ■ ■ قانون عشق

عشق باید ابتدا در دل خودمان آغاز شود، اگر بتوانیم خود را دوست بداریم عشق ورزیدن به الوهیت درون حتی یک ولگرد هم کار دشواری نیست و تنها در این صورت میتوانیم مدعی عشق به خدا باشیم .

◆ زندگی بر زمین غیر از تلاش انسان برای ایجاد صلح چه معنای دیگری میتواند داشته باشد ؟ نه صلح با دیگران بلکه صلح با خود

◆ با خودتان مهربانتر باشید .

ما باید ارزش خود را هم در زمین هم در آسمان اثبات کنیم .

◆ کمک به افراد معلول و ناتوان و آنان که حقیقتاً نیازمندند ضروری است .

◆ سخاوت حقیقی بخشیدن چیزی که دارید نیست ، بخشیدن چیزی است که دیگران به آن نیاز دارند .

◆ وقتی بدون انتظار پاداش ایثار میکنید نخستین گام را در راه جاودانگی برداشته اید

◆ کلید اصلی دریافت پیام اک در قانون بخشش نهفته است در این که ببخشید بدون آنکه در فکر گرفتن باشید . هر چه را که بصورت هدیه ای عاشقانه نثار کنید به خودتان باز میگردد .

◆ دائماً ایثار کن تا دائماً دریافت کنی .

◆ کسی میتواند ماهانتا را بیابد که عشق و فروتنی دلشته باشد و نسبت به دیگران احساس همدردی و شفقت داشته باشد .

◆ صاحب قلب زرین کسی است که در حضور خداوند و

درون روح عشق به سر میبرد چنین کسی بیشتر به مشکلات دیگران توجه میکند تا مشکلات خود .

عشق تنها راه بسوی سوگماد است. اگر میخواهید از این مسیر بروید، در مراقبه از ماهانتا بخواهید که راه به شما نشان داده شود. اما برای نشان داده شدن راه قلب فرد باید خالص باشد، همچنین تسلیم محض به استاد درون باشد. اک واقعی است اما اگر کسی میخواهد راههای آن را ببیند محراب آن باید با عشق و فروتنی همراه باشد.

عشق همه چیز را ساده تر میکند. قلب زرین کلید عشق است. با قلب زرین سفر روح بسیار ساده است. بیایید به عشقی که محصول قلب زرین است نگاهی بیندازیم.

نورری طلایی را تصور کنید که در اطرافتان گسترش مییابد. عمیق تر از آنچه که ذهن قادر به تصور باشد. اینجا فراسوی اقلیم زمان و مکان است. به لطافت نسیم. صدایی از اعماق می آید این صدا امواج کوچکی را در سطح دریا بوجود میآورد، ناگهان نو و صوت الهی را حس میکنید.

میتوانید مدتی در اینجا بمانید و از تلالوی آن خود را گرم کنید و پای در اقیانوس نور و عشق بگذارید. هر وقت آماده اید به آرامی باز گردید.


يکي از قوانين جهان معنوي اين است که نمی توانید آزادي ديگران را بگيريد و بعد هم انتظار آزادي براي خودتان داشته باشيد.

بعضي شايد اين را انگيزه اي خودخواهانه بنامند ، اينکه شما به ديگران آزادي بدهيد تا خودتان بتوانيد از آزادي برخوردار باشيد.

خوب ، بله همين طور است. زيرا کتاب قوانين و يا قوانين معنوي ، خيلي دقيق است.

اين قوانين معنوي بر اساس قانون عشق استوارند.

عشق پر قدرت ترين جنبه اک می باشد.

کسی می تواند نام خود را اکیست بگذارد که عشق را در وجودش تمرین کند و اجازه دهد که این عشق هر لحظه در قلبش بتپد. 

در غير اينصورت نمی تواند خودش را بعنوان عضوی از اکنکار که منحصر بفرد ترين انجمن درونی در تمامی جهانهای خداوند است، تصور نماید.

به طور کلی عشق بالاترين و با ارزش ترين خصوصیت های رفتاری در اک می باشد و می بایستی همانند گوهری گرانبها با آن روبرو شد.

در حفظ و حراست آن کوشيد.

تمام کسانی که عشق خدا را احساس کرده اند، باید آن عشق را به دیگران بازگردانند.

این قانون عشق است. این قانون، تمامی جهان ها را محافظت می کند و تنها امید، برای داشتن صلح و آرامش است.

چنین صلح و آرامشی، هرگز از طریق حکم یا دستور رهبران سیاسی یا مذهبی حاصل نمی شود، زیرا این صلح و آرامش، هم اکنون نیز در درون قلب هر کسی سُکنی دارد، منتهی هر فردی باید ابتدا خودش آنرا بیابد.

♥ عشق و فقط عشق، کلید رسیدن به خداشناسی است.

♥ تمام خصوصیات و صفات دیگر، همگی از عشق الهی نشأت می گیرند.

♥ عشق، آغاز و پایان همه چیز هست.

♥ عشق کلید دست یافتن به خداشناسی است.

♥ فقط کسی که عشق بسیار زیادی به خداوند دارد و از تمام قوانین درون و برون اطاعت میکند مستقیم در جاده خداوند باقی میماند.

تنها قانون دنیاهاى معنوى، خلوص در عشق الهى است. اگر شما بخواهید صورت خداوند را ببینید باید بدانید که تمرینات شما را بزرگ و کامل مینمایند.

آیا شما به اندازه کافی به خداوند عشق میورزید؟

و آیا حاضرید که برای این عشق خود را به مخاطره افکنید؟

اگر شما به اندازه کافی عشق داشته باشید و شجاعت و دلیری در این راه عشق از خودتان نشان دهید همچون زنبوری که به طرف شکوفه بهاری جذب و جلب میشود به سمت خداوند کشیده خواهید شد.

اگر مایل به دیدن چهره خداوند هستید، چه کتابی بهتر از کتاب "بیگانه ای بر لب رودخانه" اثر پال توئیچل برای مراقبه روزانه میباشد؟

♥ وقتی قلب تان به روی عشق باز می شود، همراه آن،
حکمت و ادراک می آید.

♥ قانون بنیادین، همان قانون عشق است.

این قانون واحد است.
ولی عده ای گمان می کنند که پیروی از قانون عشق یعنی
اینکه آنچه مال توست، متعلق به من است و آنچه مال من
است متعلق به من.

بعضی ها هنوز تفاوت میان عشق خودخواهانه و عشق الهی
را نمی فهمند. و همچنین مسئولیت روح را در هماهنگ
ساختن خود با قانون اک، که همان قانون عشق است.

در جهان های معنوی، قوانین والاتری از قبیل قانون عشق،
حکفرما هستند،

ولی در این پایین، ما در جهان های دوگانگی به سر می بریم
– فقدان یا وفور، بلند و کوتاه، فقر و ثروت.



عشق با تمرین کامیت ، قانون سکوت ، نصیب می شود .
هیچکس نمی تواند به وضعیت عشق وارد شود تا روزی که
وفاداری ، وقف و عشق به اک را بیاموزد . تا روزیکه به
ماهانتا تسلیم نشده و دست از همه چیز به خاطر اکتساب
عشق بر نداشته باشد ، زندگیش حقیر و آکنده از خود
خواهی خواهد بود. وفاداری ، ایمان ، ووقف ضرایب بقای
قلمداد شده ، هم در جهان آگاهی جسمانی ، کالبدش را از
دور خارج نکرده است، آن را به منزله بخشی از کل وجود
می پذیرد . مادامی که کالبدش زنده است ، هرگز نباید آن را
ترک کرده و اقدام به اقامت دائمی در جهان های دیگر کند او
باید بیاموزد که در هر دو جهان زندگی کرده و بداند که
آروزی مرگ از متعلقات وضعیت آگاهی انسانی بوده و هرگز
از کارکردهای خویش معنوی نیست

تفاوت قانون کارما و عشق در چیست؟

جواب:

♥ قانون برتر قانون عشق است.

♥ با قانون عشق مردم می فهمند که هر چه بخواهد بشود، می شود.

تفاوت در این است که ما آرزوی تنبیه و مجازات مردم را به خاطر خلاف کاری هایشان نداریم.

♥ به عنوان عکس العمل ما به آنها عشق می ورزیم.

فرض کنید کسی در مورد ملك یا دارایی ما را گول بزند و از ما کلاهبرداری کند، ما نیز مانند دیگران او را با قانون تحت تعقیب قرار می دهیم با این تفاوت که حس تنفر، دشمنی و عصبانیت نسبت به او نخواهیم داشت.

این احساس تنفر و دشمنی متعلق به کسانی است که با قانون کارما پیش می روند ولی ما خود را با قانون عشق از این قید و بندها آزاد می کنیم.

♥ قانون عشق ♥

هر آنچه براي رشد و بلوغ معنوي نياز داري را به سویت خواهد آورد.

بنابراین اگر نیازمند عشقي، سعی کن این را بفهمی که تنها راه گرفتن عشق، دادن آن است و اینکه هر چه بیشتر بدهی، بیشتر می‌گیری و تنها راه دادن آن نیز این است که خودت را آنقدر سرشار از عشق کنی که تبدیل به مغناطیس (آهن ربای) عشق شوی.

بطور ساده، مکانیزم عشق به این صورت است. فکر، کانالی از عواطف است و از طریق قانون ارتعاشات، منتقل می‌شود، درست مثل نور و الکتروسیته.

فکر از طریق قانون عشق است که به واسطه عواطف، حیات می‌گیرد، از طریق قانون رشد، قالب و نمود پیدا می‌کند؛ محصولی است از روح و بنابراین ذاتاً الهی، معنوي و خلاق (آفریننده) است.



ربازار می‌گوید: "عشق آن معجون مقدسی است که خداوند آن را از چکیده‌ی قلب خویش فراهم کرده و بخاطر معشوق آنرا در قلب عاشق می‌ریزد." همچنین به این نکته دقت کنید که هر کسی نمی‌تواند این عشق مقدس را بنوشد، زیرا معشوق باید دارای این ویژگی هم باشد: داشتن قلبی ناب. "کسی می‌تواند این معجون را بنوشد که پاک و ناب بوده و بجز عشق ناب چیزی در قلبش نباشد!" و این بدان معناست که فرد دور از خودخواهی باشد.

سپس او با کلامی نیرومند از نیروی عشق می‌گوید: پس چنین است که می‌گویم عاشقی که قلبش از عشق سرشار شده، سرمست وجود خداوند است.

سپس ربازار اینچنین پا فراتر می‌گذارد: "عشق با عشق ورزیدن به معشوق آغاز و پایان نمی‌یابد، اما آن با خواست خودش به حرکت در می‌آید تا همه‌ی هستی را در بر گیرد." بنابراین پیام ربازار این است: "قلبت را بسوی عشق بگشا، زیرا آن می‌تواند با همه‌ی درد و لذتش رضایت از زندگی را به ارمغان آورد."

"بگذار این درک تو از اکنکار باشد. جام خویش را با معشوقت سهیم شو و هرگز از مساعدت نزدیکانت با تمام درد و رنج آن غافل نشو. فرزندم این باید قانون تو برای خویشتن باشد."

و سرانجام هنگامیکه ربازار از مرد و زن حرف می‌زند، دیدگاهش تنها جنس نر و ماده نیست، که جنبه‌های مثبت و منفی انسان را نیز در بر می‌گیرد. پیام او درباره‌ی نیروی عشق است. این نیروی الهی می‌تواند به روش‌های بسیار به قلب راه یابد و عشق میان زن و مرد یکی از ساده‌ترین روش‌هاست.



همان قانون عظیم زندگی است.
عشق خداوند همه را در بر می گیرد.

روح وجود دارد، زیرا خداوند به او عشق می ورزد و بنا به همین دلیل نیز هست که خداوند لایزال، استاد زنده را فرستاده است تا به روح های خانه به دوش و سرگردان کمک کند تا دوباره راه بازگشت به منزل خود را بیابند.

استاد ، همیشه با شماست.

در تمامی لحظات و در همه جا او لذات شما و غصه های شما را با شما سهیم است ، او بار سنگین ترس از تغییرات زندگی را کاهش می دهد .

بله او همیشه اینجا کنار شماست.

او سوار بر بادهای آسمانی نور و صوت خداوند است ، پس در آنجا به دنبال او باشید و منتظر شنیدن صدایش.

او را در مکان های سرنوشت آگاهی خود بیابید.

این همان سرزمین مقدس است .

وقتی سایرین در مقابل مشکلات زندگی ، شکست می

خورند و به خود می لرزند ، شما وعده عشق همیشه حاضر

خداوند را می بینید و می شناسید.

استاد درون اینجا کنار شماست ، همیشه و در همه جا.

حضور عزیز او ، منبع امیدها و رویاهای جوینده است و

بله ، حتی منبع شهادت او.

در خانه خدا ، همه چیز همان طوری است که باید باشد.

همه چیز درست است ، همه چیز حقیقت است ، زیرا همه

چیز در آن ، در آغوش عشق است.



از آنجا که ما میدانیم نمیتوانیم همگی رابه مساوات دوست
بداریم پس عشق گرم خود را نثار معدودی نموده و بنا بر
قانون به سایرین

عشق غیرشخصی نثار میکنیم

هنگامیکه دریافتی کسی از عشق تو سوء استفاده خواهد
کرد باید بصیرت به خرج داده و عقب نشینی کنی, او را به
حال خود بگذار تا درس خویش را بیاموزد چون هر کسی
هر چقدر عشق نثار او کند کمکی به وی نخواهد کرد

گاهی یک معلم عشق خود را پس می کشد تا مرید از آن
سوء استفاده نکند و بجای آن عشق غیرشخصی که عشق
خالص است به وی باز می گرداند

تو باید عشق ورزیدن به کسی را انتخاب کنی که در
برگرداندن آن به تو وفادار باقی میماند, و از عشق تو به
مقاصد خودخواهانه استفاده نمیکند
این یعنی استفاده از قوه تمیز و تبعیض درست در عشق
ورزیدن به هم نوعان دوست

تو مجبوری تلاش کنی خود را در جهت هدایت کنی که هم
برای خودت بیشترین منافی را که ممکن است در مسیر
پیشرفت معنوی عاید نماید

اگر بی اینکه قوه تمیزت را بکار گیری, عشقت را نثار کنی
دنیا بزودی به تو خواهد آموخت که کارت خطاست
درسهایی که می آموزی نشان خواهد داد که بهتر است تنها
به آنانی عشق بورزی که به تو عشق می ورزند. آنها را با
تمام یاخته های قلبت دوست داشته باش

بالا تر از همه به سوگماد عشق بورزی, به کلام (او) ایمان
داشته باش به عشق او که به تو تعلق دارد

